

اعلام فراکسیون فعالیت بنام کومه‌له

مقدمه

ما قبلا در نوشته‌ای تحت عنوان "ضرورت فعالیت بنام کومه‌له" خواهان ادامه فعالیت سیاسی - تشکیلاتی در همان قالب سازمانی واقعی خود یعنی کومه‌له، نه چهارچوب اسمی "حزب کمونیست ایران" شده بودیم. در آن نوشته و همچنین در مطالب و ملاحظات بعدی نیز از تفاوت نگاه‌ها و مواضع فکری و سیاسی خود با "خط رسمی" تشکیلات گفته بودیم. پرواضح بود که این تنها بیان مخالفت و یا انتقاد از صورت ظاهر اسمی و بی‌مسمائی نام حزب نبود، بلکه فراتر از آن برخی دیدگاه‌ها و چشم‌اندازها و همچنین سبک و روش‌های سازمانی و تشکیلاتی را هم دربر میگرفت. حال بیش از پیش دیده میشود که ادعای موجودیت یک "حکا"ی غیر واقعی، خود نمودی از نگرشی کلی‌تر است که ما خود را در تقابل با آن دیده‌ایم و می‌بینیم. عبارت دیگر حتی در صورت فعالیت همگی ما فقط تحت نام کومه‌له، باز یک بازنگری همه‌جانبه به سیاستها و روشها و... از دیدگاه ما ضروری میبود و هست.

طرح و انتشار نظرات انتقادی ما از همان ابتدا واکنش‌های گوناگونی را در سطوح مختلف، چه در درون تشکیلات و چه بیرون از آن بوجود آورد، گاه ابهاماتی را نیز بدنبال داشت و سوالاتی را پیش آورد که میبایست به آنها پرداخت، اما بیش از همه با برخوردهای ناسالم "رهبری حزب" که هیچ انتقادی را برنمی‌تابد، مواجه گردید. در این مدت عامدانه به بهانه‌های واهی تمام راهها برای بازشدن باب دیالوگی متمدنانه روشن و شفاف مسدود شد. وارونه‌گوئی و انحراف اذهان، سلب کردن استفاده از امکانات تبلیغی و انتشاراتی، ایجاد محدودیتها به هدف به انزوا کشاندن و سرانجام حذف "صدای دیگر" انتخاب گردید. متأسفانه با در پیش گرفتن این روشها آنچه را که لازمهٔ تکوین فکر و عمل مفید اجتماعی است، یعنی نقد، ارزیابی و واریسی مداوم پیشروی‌ها و پسرفتها از حزب دریغ شده و با دیوار سخت انحصارطلبی و مسلط کردن فضای "تک‌صدائی" روبرو شده است. با این رویکرد بیش از پیش تمام تلاشها جهت بی‌خاصیت و "روتین کردن" سمینارها، نشست و کنگره‌ها متمرکز گردیده است. این روشها تا به امروز نه تنها ثمری برای تشکیلات نداشته و کمکی به انسجام درونی و حتی وحدت نسبی نظری و اتفاق عمل سیاسی و تشکیلاتی نکرده است، بلکه تماماً با تبعات و نتایج و رویکردهای منفی هم روبرو شده است.

ما در این مدت علیرغم همه کارشکنیها و اتهامات ناروایی که با آن روبرو بوده‌ایم پیگیرانه تلاشهای خود را متناسب با امکانات بسیار محدودی که در دسترس بوده است جهت تدقیق دیدگاههای خود بکار برده‌ایم و کوشیده‌ایم که ضمن ارائهٔ نظرات و دیدگاههای سیاسی خود به میدان مشاجرات بی‌بهای شخصی و گروهی بی‌سرانجام نیفتیم و صمیمانه به ایجاد فضای سالم سیاسی یاری برسانیم که آنرا همچنان مصممانه پی خواهیم گرفت، زیرا شرط پیشرفت، وحدت و انسجام تشکیلاتی را در آن می‌بینیم.

آنچه که امروز ما را برانگیخته است که مجدداً و با تدقیق بیشتر، نظرات سیاسی و دیدگاههای فکری و بینشی خود را با جمع رفقای تشکیلاتی و افکار عمومی خارج از آن در میان بگذاریم و "فراکسیون فعالیت بنام کومه‌له" را اعلام کنیم اینست که:

۱. تاکید بازهم بیشتری داشته باشیم بر ضرورت بازبینی و شکافتن تاکتیکها، سیاستها و چشم‌اندازهای سیاسی - فکری به گمان ما غیر عینی و نامنتطق برواقعیت همچین روش، سبک و شیوه‌های کاری - تشکیلاتی عقیم و ناموفقی که بر مجموعه عملکردهای تشکیلاتی و سیاسی رو به جامعه و در درون حزب سایه انداخته است.

۲. پی ریزی و دستیابی به ظرفی مناسب، علنی سازمانی برای گرایشی که این خط فکری را نمایندگی میکند، آنهم در چهارچوب پرنسبهای حقوقی پذیرفته شده جمعی که بتواند بطور کنکرت و شفاف درضمن مسئولیت پذیری در مجموعه کارهای روتین حزبی، به سهم خود دیدگاهها و مواضع خود را در عرصه‌های گوناگون سیاسی - تشکیلاتی و دیدگاهی تبلیغ و نمایندگی کند.

لازم به تاکید باز هم بیشتر است که این اقدامی است از سر ناگزیری، زیرا که سیاستهای تنگ‌نظرانه و خودبزرگ‌بینانه "رهبری" و روشهای حذف و به انزواکشاندن هر آنچه که خود نمی‌پسندند، تمام روزنه‌های ابراز وجود صدای دیگر را کور کرده‌اند. اگر که اینطور نمیبود و همه مجاری و فونکسیونهای حزبی و تشکیلاتی بطور دموکراتیک، سالم و شفاف در دسترس و سر جای واقعی خود میبودند و همگان میتوانند تبیین و نظرات خود را بدور از واهمه شانتاژ و برچسب‌زنی بیان کنند و اصل بر لیاقت در پیشبرد کار استوار می‌بود و حامی‌پروری جائی نمیداشت، مسلماً دیگر تمام توانها در جای واقعی خود بکار گرفته میشدند و دست در دست هم به روند رو به گسترش جنبش و تشکیلات، بسط و فرارویی آن در درون جامعه کمک میکردند و دیگر جائی برای پایمال کردن دموکراسی درون حزبی و نادیده گرفتن حقوق فردی وجود نمیداشت

همچنین لازم است یادآور شویم که اعلام فراکسیون برای ما نه پیش‌درآمدی است برای انشعابی جدید و نه تمهیداتی است برای پرداختن به منافع فردی و گروهی، بلکه همانگونه که ذکر گردید ابزاری است سازمانی، شفاف، قانونی و علنی برای ادامه فعالیت سیاسی - تشکیلاتی. ما تمام تلاش خود را در این جهت و برای تضمین و کاربست حقوق فردی در درون تشکیلات و ایجاد فضای صمیمانه و سالم بکار خواهیم گرفت و امیدواریم که رهبری حزب هم با اتخاذ روشهای مشابه، میدان را برای ایجاد این فضا و به دور ماندن از تنش و اصطکاک هموار گرداند. قطعاً رفقای بدنه تشکیلات با حضور موثر خود خواهند توانست در خلق و ایجاد چنین فضائی و غنا بخشیدن به بحثهای پیش‌رو نقش بارزی ایفا نمایند.

چکیده‌ای از مواضع و تفاوتها

وجود تفاوتهای سیاسی و اختلافات نظری - چه در عرصه سیاسی و چه در روشها و سبکهای کاری - تشکیلاتی در درون یک سازمان جدی سیاسی بخودی خود نه تنها موجب پراکندگی و ریزش نمی‌شود، بلکه با برخورد منطقی و نگاه دیالکتیکی به آن میتواند حتی موجبات تکوین و رشد کیفی و کمی را در همه عرصه‌ها نیز فراهم آورد. آنچه

ضرر مند است بر خورد های حذف خواهانه، فرد گرایانه و تخطئه گرانه به این اختلافات است. این درست همان شیوه ای است که متاسفانه سابقه مخرب و نامیمونی در تشکیلات ما دارد. بجای پاسخگوئی راههای منتسب کردن ما به این و آن را انتخاب کرده اند! راه دنبال کردن سرنخ توطئه را گرفته اند! با توسل به ابزارهای تشکیلاتی راههای حذف را می آزمایند و ... که ریشه این روشها به سابقه ای قدیمی تر و به کل جنبش چپ بویژه در ایران بر میگردد و متاسفانه همین میراث شوم امروزه هم بعد از ناکامیهای پی در پی و تلخ منتج از اینگونه روشهای بدفرجام، همچنان گریبان ما را رها نکرده است.

با این وجود سعی ما بر این بوده است که بدور از این فضای ناسالم نگرشها و مواضع خود را با توجه به امکانات محدودی که در دسترس بوده است، بیان کنیم. اینجا ضمن طرح چکیده ای کلی از این مواضع، خود را متعهد میدانیم که در آینده نیز پیگیرانه و مصممانه به سهم خود در این امر و تدقیق هر چه بیشتر آن بکوشیم. زیرا که حقایق نسبی همواره و تنها در مسیر دیالوگی سالم میتواند جلا و روشنی بیشتر بیابد.

۱- ما بعنوان انسانهای سوسیالیست و کمونیست که با تاریخ مبارزات کومه له و توده های کارگر و زحمتکش کردستان در پیوند بوده ایم، دغدغه حیات سیاسی و اجتماعی خود را در سرنوشت جنبش آزادیخواهانه و سوسیالیستی ای میبینیم که کومه له پیشتاز آن بود، از این زاویه نقطه حرکت ما اینست که اولاً وضعیت بحرانی ای را که کومه له بدان دچار شد بعنوان واقعیتهایی بینیم، ثانیاً علل این بحران را جستجو کنیم و ثالثاً بدنبال یافتن چاره ای در مقابل آن باشیم. که تفاوت و اختلاف ما با "خط رسمی" از همین جا آغاز میگردد.

ما بر این باوریم که تمامی شاخه های انشعابی از کومه له هر کدام به نوعی و به درجه ای از آرمانهای جنبش سوسیالیستی فاصله گرفته و تحت نامها و تشکلهای متعدد (شاخه های آنارشیست - اپورتونیستی و رو به فزونی "کمونیسم کارگری" تا اپورتونیسم راست متجلی در شاخه های مختلف "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران") با نظرات و عملکردهایی که از خود نمایان ساخته اند صف مبارزات و ترقیات فکری، سیاسی و تشکیلاتی توده های کارگر و زحمتکش کردستان را دچار اغتشاش و سردرگمی و دلسردی نموده و از یک رهبری منسجم و زبان گویای منافع و آمال آنان محروم نموده اند. متأسفانه کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) نیز در این رابطه بخصوص در سالهای اخیر کارنامه چندان خوبی از خود بجا نگذاشته است. برخورد انتقادی از موضع چپ و سوسیالیستی به چنین وضعیتی یکی از شروط اساسی و ضروری برای دستیابی به آگاهی و اتحاد توده ها در راه آزادی و سوسیالیسم است.

۲- یکی از نمودهای اساسی و واضح بحران کومه له عبارت از تخریب کومه له بدست خود کومه له بوده است و این پروسه نامیمون بطور آشکار یا نهان، در هر کدام از شاخه ها ادامه دارد. اولین عکس العمل ما در برابر چنین پدیده ای این بوده است که علیرغم نگرش انتقادی و ایرادات جدی نسبت به تشکیلاتی که خود در آن فعالیت میکنیم، منتهای کوشش و تلاش صمیمانه و متعهدانه را برای جلوگیری از پدید آمدن تفرقه ای دیگر اعمال کنیم و در عوض به بحث و جدل دلسوزانه و علمی برای تدقیق و تعمیق و روشن ساختن باورهای مشترک یا مورد اختلاف دامن بزنیم. بدیهی است که در این حرکت، از سوی گرایشاتی که موجب تخریب کومه له شد - شونیسم ملی، آنارشیسم، سکتاریسم،

اپورتونیسیم راست و چپ و نیز شخصیت پرستی و مقام طلبی و غیره خواه در بیرون و خواه از درون تشکیلات - مورد حملاتی قرار گرفتیم که بعضاً برایمان قابل انتظار بود. ما اینها را به قیمت رنج روحی تحمل کرده‌ایم و نغمه انشعاب سر نداده‌ایم برای اینکه دشمنان آزادی قوی نگردند؛ موجب ناامیدی در میان توده‌های مبارز مردم نگشته و سره از ناسره تفکیک گردد و خط چپ و سوسیالیستی، شفاف و نیرومند شود. تلاش ما برای کسب همیاری و ارتقای خرد جمعی یکی از اصول رهنمون ما بوده‌است و خواهد بود.

۳- چنانکه همگان مطلعند یکی از اختلافات ما با "خط رسمی"، بر سر مسأله حکا است. طی این بیست و پنج سالی که از زمان اعلام موجودیت حکا میگذرد، شاهد وجود سازمان دیگری بجز سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) در هیچ جای دیگر کشور پهناور ایران نبوده‌ایم. و این حزب به آن ظرف تشکیلاتی که فعالین کارگری را بخود جلب کند تبدیل نشد. به جای رسیدن به جوانه‌های بلوغ و تکوین پیوسته و مستمر، با ریزش و پراکندگی روبرو بوده است و رهبرانش هنوز پس از یک ربع قرن در تلاش اثبات این فرضیه هستند که "بودنش از نبودنش بهتر است"! اینکه کومه‌له خود را حکا بنامد و سپس خود را بنام سازمان کردستان خود تعریف کند، با هیچ عقل و منطق عادی و زمینی نمیگنجد و تنها عاملی برای نگاهداشتن مجموعه‌ای از انسانها در قیود توهمات و خود فریبی و سرانجام بازیچه شدن در دست کسانی است که از این وضعیت منافی حقیر و کوتاه بینانه را تعقیب میکنند.

کومه‌له‌ی چپ و سوسیالیست، یک جریان اجتماعی در کردستان بوده است؛ از اینروست که حتی با تمام شقه‌شقه شدن-ها قابل صرف نظر کردن نیست و هر صعود و نزول آن بلافاصله روی توده‌ها تأثیرات مثبت و یا منفی میگذارد. اما حکا- تحت عنوان حکا- هرگز در هیچ کجا یک جریان اجتماعی نبود و اجتماعی هم نشد. از لحاظ طول و عرض تشکیلاتی هم که در نظر بگیریم، تشکیلات حکا با آن هیبت و قامت اولیه، بدین سرنوشتی دچار شد که دیدیم.

۴- برای نیل به سوسیالیسم، بحث و جدل و پلیمیک علمی و مبتنی بر حقایق و واقعیات امروزی جهان و درس‌گیری از تجارب گذشته جنبش کارگری و کمونیستی بطوریکه سرانجام میلیونها کارگر پیشرو برای ساختن آگاهانه جامعه‌ای نوین بدان مسلح گشته باشند، دارای ضرورت حتمی و حیاتی است. سوسیالیسمی که در حکا و کومه‌له از آن دفاع میشود، تنها بدرد توجیه موقعیت ویژه برای عده‌ای معدود و علامت رمزی برای ابراز وفاداری افراد یک جمع نسبت بیکدیگر و کسب مجوز ماندن در این جمع است و گرنه نماینده هیچ ایده و تئوری پیشرفته‌تری نسبت به گذشته (خواه گذشته کومه‌له و خواه گذشته جنبش سوسیالیستی و کمونیستی در جهان) نبوده و برعکس همچون نیروی مقاومت در برابر سیر انتقاد و پلیمیک تئوریک و تعمیق آگاهی سوسیالیستی عمل میکند. میدانیم که سنگ بنای جهانیابی مارکسیستی بمثابة یک دانش بالنده و یک سیستم فکری و متدلوژی علمی در مغایرت و در مقابله با جزمیت، دگماتیسم و مطلق‌نگری فلسفی و ایده‌آلیستی ماقبل خود گذاشته شد که برخوردی غیر دیالکتیکی و غیر تاریخی و متافیزیکی به پدیده‌های درون جامعه و طبیعت داشتند. این جهان بینی خود برگرفته از تازه‌ترین دستاوردهای علمی زمان خود و کشفیات علمی مارکس بویژه در زمینه اقتصادی و برخورد دیالکتیکی و خلاقانه اش به اقتصاد، به جامعه و سیر تاریخی سرنوشت انسان بود و از بسط خلاق آن در شرایط جدید و داده‌ها و دستاوردهای علمی تازه‌تر نیز گریزی ندارد. دیگر چه جای دارد که امروز از آن آئینی تراشیده شود که گویا در مقابل تمام پیچیدگیها و سؤالات امروز بشر جوابهای از

پیش آماده‌ای را در آستین دارد. این دقیقاً همان نگاه وارونه و دگمی است که رهبری حزب به مارکسیسم بمثابه رهنمون عمل دارد و از کاربست علمی و عینی آن در تحلیل واقع‌بینانه جامعه و تعیین اولویتهای پیش‌روی آن عاجز مانده است.

آیا سوسیالیسم در ایران به تنهایی ممکن است؟ آیا چه درسهائی از انقلابات و شکستهای گذشته میشود گرفت؟ اقتصاد سوسیالیستی چه ملزومات و خصوصیت‌هائی داشته و چگونه عمل خواهد کرد؟ چه عواملی مانع اتحاد طبقاتی کارگران است؟ آیا در "برنامه حزب کمونیست ایران" چیزی مورد انتقاد وجود دارد یا خیر؟..... هیچ سؤالی از اینگونه در این تشکیلات مطرح نیست؛ اگر بفرض مطرح هم باشد، گوئی جواب همه‌چیز حاضر و آماده وجود دارد. این فقط شعار است که باید شسته رفته سر داد و تکرار نمود؛ گویا اگر به مرحله‌ای برسیم که شعارهای "نابودباد سرمایه‌داری و زنده-باد و برقرارباد" سوسیالیستی از زبان عدّه کثیری تکرار شود و اموال سرمایه‌داران ضبط گردد، چیزی به آخر راه نمانده است. همه کس میتواند ثابت کند که این امر در خوشبینانه‌ترین حالت، جز یک سرمایه‌داری دولتی بنام سوسیالیسم با یک طبقه تازه بدوران رسیده حزبی در رأس آن بنام طبقه کارگر و جز یک نظام تک حزبی مختنق کننده توده‌ها، چیز دیگری ببار نخواهد آورد.

ما بر این باوریم که دستیابی به جامعه سوسیالیستی و استقرار آن در ایران و بویژه در کردستان پیچیدگیها و دشواریهای خاص خود را داراست و ملزومات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی می‌طلبد. هرگونه بینش و نگاه سطحی، سکتاریستی و اراده‌گرایانه در این خصوص راه به جایی نخواهد برد. تجربه نشان داده است که برای ساختن بنای سوسیالیسم آن نیروی تعیین کننده رهائی بخش طبقاتی، طبقه کارگر آگاه و متحد و متشکل و حداقلی از یک رشد معین نیروهای مولده با زیربنای نسبتاً قوی اقتصادی و صنعتی ضروری است. نمیتوان این ضروریات را خود کرده و اراده‌گرایانه حذف کرد. ساختن سوسیالیسم بر پایه فقر اندیشه کجی است که امتحان خود را بارها پس داده است و ره به هیچ کوره دهی باز نخواهد کرد. همین ضروریات عینی است که مقدمتاً اولویتهای پایه‌ای را می‌طلبد و باز از سر همین اولویتهاست که سوسیالیسم را در جامعه ما بشکل نه یک تحول بلاواسطه بلکه یک پروسه در حین عمل در می‌آورد. این یک دوران گذار است برای ایجاد یک سری اصلاحات و تغییرات بنیادی در زیر بنا و روبنای جامعه، که پیروزی و کوتاهی آن به درجه رشد و آگاهی اجتماعی و همچنین حضور مؤثر و قاطع نیروهای پیشرو طبقاتی در رأس حاکمیت و اداره جامعه بستگی دارد. همین حضور قاطع میتواند تأثیر مستقیمی بر تسریع بخشی آگاهانه بر این پروسه بگذارد. در ارتباط با همین بحث جای خود دارد اشاره‌ای موجز به دو نکته قابل تأمل داشته باشیم:

● جنبش کارگری یکی از ریشه‌دارترین و کلیدی‌ترین جنبشهای عادلانه و رهائی بخش اجتماعی در عرصه سراسری است. این جنبش پرتکاپو به رغم همه فشارها و تلاش ددمنشانه حاکمیت جمهوری اسلامی، همچنان استوار و حذف ناشدنی در عرصه مبارزاتی وجود دارد. گرچه امروز شاهد مبارزات نسبتاً گسترده کارگری در شکل اعتصابات و اعتراضات در سراسر ایران هستیم، اما نباید این نکته را فراموش کرد که اغلب این مبارزات جدای از هم، خصلت دفاعی و واکنشی دارند. این مبارزات هنوز حتی برای افزایش دستمزدها و شرایط زیستی مناسبتر در جریان نیست و

اغلب حول مطالبات و دستمزدهای معوقه میچرخد. فراتر رفتن از این مبارزات صنفی برای پیشرفت جنبش طبقاتی کارگران امری حیاتی و سرنوشت ساز است؛ اما مبارزات تا کنونی پایش را آنگونه که میباید از گلیم مطالبات صنفی فراتر نهاده است. دیدن این خصلت واقعی کنونی کمک میکند که بتوان ارزیابی واقعی و دقیقتری نسبت به وضع موجود داشته باشیم. جنبش کارگری امروز با پراکندگی و تفرقه، عدم تشکل و "ضعف دیدگاهی" روبرو است و از آن رنج میبرد. مبارزه برای ایجاد و نهادن سنگ بنای سندیکاها و تشکلهای کارگری مستقل یک ضرورت و اولویت روز است.

• چندی قبل "برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردم در کردستان" ارائه شد. این برنامه همان برنامه حکا است با زبانی ناروشن‌تر و التقاطی‌تر از آن. یعنی از بسیاری جهات برنامه‌ای برای عمل نیست بلکه تنها برای نفس ارائه آن است. ما تلاش خواهیم کرد از طریق بحثهای علنی در نقد برنامه‌های موجود از جمله همین "برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردم در کردستان" به شکل‌گیری و ارائه یک برنامه زمینی، روشن و قابل درک و اجرا برای توده‌های کارگر و زحمتکش یاری برسانیم.

۵- تبیین‌ها و سیاست‌های تاکنونی حکا بر سر مسأله ملی در کردستان (و ایران) بر اساس دنباله‌روی از نگرش شونیستی و اپورتونیستی "کمونیسم کارگری" بوده است. بنابراین همواره شاهد نوسان و ابراز نظرهای متناقض بر سر این مسأله بوده‌ایم با این توجیه گفته یا ناگفته که مبادا در دام تنگ‌نظری ناسیونالیستی بیفتیم. سردرگمی برسر لزوم یا عدم لزوم تشکیلات مستقل چپ در کردستان و اصرار بر حفظ نام حکا و غیره، از سردرگمی نسبت به مسأله ملی در کردستان نیز نشأت میگیرد.

در این ارزیابیهای پر مغلطه‌ای که شاهدش هستیم گاهی حق تعیین سرنوشت ملی مهم است و گاه نیست. گاه مردم کردستان را باید ملت گُرد نامید، گاه نه. گاه مرز کردستان معلوم است و گاه نیست. اگر ملت گُرد بخواهد تقاضای استقلال کند باید با آن همراه شد و اگر چنین خواستی مطرح نکند و بخواهد در چهارچوب ایران باقی بماند، دیگر ملت نیست و یا نباید همچون ملت و دارای حق ملی ظاهر گردد و همان حق شهروندی برایش کافیت. گاه حل مسأله ملی، امر بورژوازی است و آنرا باید به احزاب ناسیونالیست واگذاشت، و گاه خیر باید چپ نیز دخالتی بکند. اما حزب نباید از خود شعار مشخصی داشته باشد، باید صبر کند ببیند که "مردم" در یک زمان موعود به چه چیز رأی خواهند داد، آنگاه حزب نیز تصمیم بگیرد!

بنظر ما دیدن کثیرالمله بودن ایران و وجود ستم ملی و در نتیجه دفاع بی چون و چرا از رفع این ستم یکی از پایه‌های دموکراسی در ایران و یکی از وجوه مهم برنامه‌ای یک چپ راستین است. از زاویه منافع و موقعیت طبقه کارگر نیز بمسأله بنگریم، میبینیم ستم و تبعیض ملی از یکسو بمعنای تحمیل موقعیت فرودستتر و مشقت بارتری به توده‌های کارگر و زحمتکش ملل زبردست بوده و از سوی دیگر بار اصلی ستم و تبعیض ملی و رنجهای ناشی از آن، بیش از دیگر طبقات بر دوش طبقه کارگر ملت تحت ستم سنگینی میکند. چپ در کردستان باید طرفدار و مبارز بی چون و چرای حق تعیین سرنوشت ملت گُرد (یعنی حق جداشدن و تشکیل دولت مستقل) و پشتیبان دیگر ملتها در کسب حق تعیین

سرنوشت و در همان حال مروج دوستی و همیاری ملتها و اجتناب از کینه‌ورزی ملی باشد. چپ اگرچه باید مدافع حق ملتهای ایران در تعیین سرنوشت خویش بوده و هرگونه سرکوبگری و اختناق ازسوی دولت مرکزی نسبت به آحاد و گروهها از هر ملیتی را محکوم کند و علیه آن بایستد، اما این بمعنای دفاع بی قید و شرط از مواضع این یا آن سازمان و حزب متعلق و یا مرتبط به این یا آن ملت نیست، بلکه به این بستگی دارد که جریان مزبور تا چه اندازه در صف دموکراسی، ترقی‌خواهی و انسانیت و عدالتخواهی و در جهت منافع کارگران و دیگر تهیدستان جامعه (خواه رو به توده‌های ملت "خودی" و خواه نسبت به "غیرخودی‌ها") قرار دارد.

بدون مبارزه قاطع علیه شونیسم ملی (و همینطور اختناق و فاشیسم مذهبی علیه اقلیتهای دینی، مذهبی و عقیدتی) دستیابی به اتحاد طبقاتی کارگران ایران علیه کل طبقه بورژوازی ممکن نیست، زیرا تجربه عینی و عملی نشان داده است که مجموعه این ستمها دامنه جدائیها، تفرقه و خصومت را در میان ملل و ساکنین این جوامع ستمزده گسترده‌تر میسازد و بویژه زمینه دنباله‌روی طبقه کارگر ملت بالا دست را از بورژوازی "خودی" علیه ملل و جوامع اقلیتی فرودست فراهم میسازد. مبارزه در این عرصه وظیفه تخطی ناپذیر همه چپهای ایران است. چپ در کردستان نیز باید مبارز بی اما و اگر رفع ستم ملی برملت گردد باشد و در این راه باید بتواند با آگاهگری و بسیج توده‌های میلیونی، سیاستها و حرکات جریانات و نیروهای گرد مدافع ساخت و پاخت و ارتجاع و اختناق و همچنین دامن‌زنندگان به نفرت ملی، قومی و مذهبی را نیزافشا و خنثی نماید.

وجود مسأله ملی و جنبش بالقوه ملی دموکراتیک در کردستان بمعنای وجود شرایط ویژه‌ای در این سرزمین نسبت به مابقی ایران و شرایط ویژه‌ای در زندگی و مبارزه توده‌های کارگر و زحمتکش گرد و بنابراین بمعنای لزوم اتخاذ سیاستها و تاکتیک‌ها و در دستور گذاشتن اهداف ویژه‌ای نیز از جانب چپ فعال در جامعه کردستان است. این امر نتیجتاً ضرورت حضور یک سازمان چپ مستقل را در کردستان ایجاب میکند؛ تا بتواند- در عین پیشبرد حداکثر هماهنگی و اتحاد مبارزاتی با تمام توده‌ها و ملل ساکن ایران- به نیازهای مبارزه طبقه کارگر و دیگر توده‌های ستم‌دیده مردم در همه وجوه آن در کردستان پاسخگو باشد.

از نظر ما سرزمین کردستان ایران به مناطقی در غرب ایران اطلاق میشود که اکثریت ساکنین آن را مردمان کرد زبانی تشکیل میدهند که تاریخاً و بویژه طی دهها سال اخیر موارد زیادی مبنی بر رشد احساس هم‌سرنوشتی و همبستگی ملی و اتحاد مبارزاتی در برابر مظالم رژیم فاشیستی - مذهبی مرکزی، بین این مردمان را شاهد بوده‌ایم. در هر حال اینکه این مردم بخواهند سرانجام همچون یک ملت دارای سقف سیاسی واحد با یکدیگر همزیستی نمایند به تصمیم آزادانه خود آنها مربوط است؛ مبارزه برای تأمین شرایط چنین تصمیم آزادانه و فارغ از هرگونه فشار و سرکوبی یکی از وظایف مهم ما محسوب میشود. ضمناً ما براین باوریم که با توجه به روابط و پیوندهای فرهنگی، اقتصادی و تاریخی‌ای که بین اهالی کردستان و مابقی ایران وجود داشته است، ماندن آزادانه و داوطلبانه در چهارچوب یک ایران دموکراتیک کم ضررترین راه حل و مفیدترین بحال ملت گرد و دیگر مردمان ایران است. عنوان و شکل این اتحاد داوطلبانه و حدود اختیارات حکومت ملی محلی و حکومت مرکزی را به بحثهای آینده وامیگذاریم.

رشد همبستگی و احساس همدردی مشترک ملی بین مردم کرد در بخشهای مختلف کردستان واقع در کشورهای منطقه، یک واقعیت تاریخی انکارناپذیر است. ما از مبارزات اهالی دیگر بخش‌ها در راه آزادی و ترقی و رفع ستم و تبعیض ملی پشتیبانی می‌کنیم، در عین اینکه خود را مجاز به دخالت سیاسی در اوضاع این بخشها نمیدانیم.

۶- برخورد به جنبشهای دموکراتیک و توده‌ای: نمونه‌های برخورد نظری و عملی منزه طلبانه و سکت‌گرایانه‌ای را میتوان نشان داد که حکایت از عدم نظارت اصول مارکسی و واقع‌بینی ماتریالیستی و احساس مسئولیت در قبال جنبش توده‌ای، در کل مدعیان چپ و از جمله در میان ما دارد. گاهی حتی نظراتی تا حد تخطئه هر نوع جنبش و خواسته دموکراتیکی بمیدان آمده و گاه با معیار منافع سکتی با آنها روبرو گشته‌ایم. این در نهایت بمعنای پاسیفیسم و خود را بی‌وظیفه کردن در قبال این نوع جنبشهاست (جنبش زنان، جنبش دانشجویی و ...) از منظر این دیدگاه همچنانکه ذکر آن رفت گرایشهای دیگر در درون جنبشهای اجتماعی محلی از اعراب ندارند و قابل پشتیبانی هم نیستند، و تنها گرایشی که باید مورد پشتیبانی قرار گیرد گرایش سوسیالیستی است - آنها از نوعی که خود می‌پسندند و می‌بایستی قبلاً مورد تأیید قرار گرفته باشد. این تفکر در نهایت سبب جدا شدن جنبش واقعی سوسیالیستی از زمینه‌های توده‌ای خود خواهد شد. این نگرش سکت‌گرایانه و تفرقه‌انگیز را در خصوص جنبشهای زنان، جوانان و ... هم میتوان دید. که اجمالا اشاره کوتاهی به آنها نیز خواهیم داشت:

• جنبش رهائی زنان از جمله جنبشهای بسیار تأثیر گذار و با توانائی‌های قوی انقلابی و دموکراتیک است که در صحنه سیاسی ایران همواره و بویژه در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی حضور گسترده و فعالی داشته است. این جنبش میتواند به یکی از ستونهای جنبش سیاسی و مبارزاتی توده‌ها در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تبدیل گردد. ما تمامی این جنبش را که در راه تحقق آزادی و رهائی زن از انقیاد ستم جنسی و فرهنگ مردسالاری و بخاطر آرمانهای عدالتخواهانه و آزادی خواهانه پیکار میکند، فارغ از هرگونه پیشداوری تئوریک جزمی گرایانه، قابل دفاع و پشتیبانی میدانیم و در راه تقویت و تعمیق آن تلاش خواهیم کرد. موکول کردن تحقق این خواستهای برحق و امروز دست یافتنی که اکنون در بخش عمده‌ای از جهان سرمایه‌داری هم کسب شده‌اند، به آینده دور و تحت هر نام و به هر بهانه‌ای ناموجه و تخطئه‌گرانه است. این در خوشبینانه‌ترین حالت سردر لاک اندیشه‌های خود فرو بردن و سپردن وظایف مبرم امروزی به دیگر گرایشهای اجتماعی است. ما در ضمن، هرگونه تلاش سکتاریستی را برای گویا پالایش و جداسازی صفوف جنبش حق طلبانه زنان به بهانه سوسیالیستی بودن یا نبودن اهداف کوتاه و دراز مدت آن و محدود کردن وسواس گونه صفوف آن به اعضاء تشکیلاتی و در واقع "تشکیلاتی کردن" و وابسته ساختن به گرایش و تبیین خاص حزبی را مردود و شکست خورده و ناگوار برای سازماندهی و تشکل زنان میدانیم.

• جنبش دانشجویی؛ در این عرصه هم، همچون جنبش زنان تلاش برای "تشکیلاتی کردن" باصطلاح حزبی آن، که در واقع استفاده‌ای ابزاری از جنبش و فعالین آن محسوب میشود، گامی است رو به پس که موجب تفرق و پراکندگی، محفل‌پس و حاشیه‌ای شدن، همچنین ناامیدی و سرخوردگی در صفوف آن می‌گردد.

۷- دیدگاه موجود در تشکیلات نسبت به تاریخ کومه‌له، دنباله همان دیدگاه انحرافی جریان کمونیسم کارگری است؛ اگرچه گاهی انتقادهائی سطحی و بی تأثیر را در برابر جریان مزبور شاهد بوده‌ایم .

نقد ما از گذشته کومه‌له چیست؟ آیا آنرا جریان چپ و سوسیالیستی می‌شناسیم؟ آیا تحت تأثیر اتحاد مبارزان کمونیست، سوسیالیست و کمونیست شده است؟ آیا پس از تشکیل حکا به چنین خصوصیتی دست یافته است؟....

صحبت بر سر این نیست که بخواهیم مدالی به کومه‌له یا به گذشته خود بدهیم، بلکه صحبت بر سر نقد دیدگاه‌هائی است که کومه‌له را به چنین وضعیت بحرانی‌ای کشاند و از جانب هیچکدام از تشکلهای موجود، جز برخورد‌های سکتاریستی خودتبرئه‌کن و موجودیت خود را توجیه‌کن، هیچ نقد عمیقی که امیدبخش و راهگشای فعالین کنونی و مبارزین جوانتر باشد انجام نگرفته است.

از نظر ما کومه‌له از همان ابتدا با تمام کمبودهائی که اکنون و با دیدگاه امروزمون، میتوان برای آن برشمرد و باید مورد بررسی انتقادی قرار داد، یک جریان چپ و سوسیالیست بوده است . مبارزات کومه‌له از ابتدا تا کنون تجربیات و دستاوردهای گرانقدری داشته است که تجزیه و تحلیل مارکسیستی، منصفانه و علمی جوانب مختلف آنها و درس-آموزی از آن برای رهروان چپ آینده دارای اهمیت حیاتی است. از همه اینها چشم پوشی کردن و میدان را برای تعبیر و تفسیرهای آنارشیستی و راست‌روانه واپورتونیستی و اکاذیب جریانات ضدآزادی و مرتجع خالی گذاشتن، و در همان حال از نام و عنوان کومه‌له همچنان برای خود اعتبار کسب کردن، تصور نمیکنیم با عقلیت و مبارزه و منش کمونیستی همخوانی داشته باشد.

۸- طی سالیان نسبتاً طولانی همان دیدگاهی که به آن اشاره کردیم، در عرصه اداره و رهبری تشکیلات عمل کرده است. انسان بعنوان ابزاری بکار گرفته میشود برای دست یابی به اهداف معینی که مورد نظر دستگاه رهبری میباشد؛ تشکیلات نه ابزاری برای تدارک انقلاب، بلکه خود به هدف تبدیل شده و حتی از آنهم فراتر مبنای ایدئولوژی نیز قرار میگیرد؛ حزب همه چیز است و مبنای هرگونه سنجشی است؛ مدتهاست جدل ایدئولوژیک و سیاسی نایاب شده است و گوئی این پدیده پس از جدائی‌هائی که از آن صورت گرفته، ضرورت خود را از دست داده است .

در برخورد به دگر اندیشان، در برابر هرگونه انتقاد از حزب و رهبری آن و یا شیوه‌های رهبری و یا سیاستهای تشکیلات، به شیوه‌ای ناعادلانه، ابتدا آن حکم همیشگی که تاریخاً در احزاب چپ عموماً و از جمله در حکا و کومه‌له نیز بکار گرفته شده است، صادر میگردد و سپس مخالفین بآن منتسب میشوند. هر کس و بهر شیوه‌ای مخالفتی ابراز کند بدون هیچ توضیحی ”ناسیونالیست“ ، ” رهروان راه شکست خورده منشعبین “ و... نثارش میشود و برخورد صریح و رقیقانه جای خود را به عدم صراحت و برخورد‌های ناسالم داده است.

پایان سخن

بنابراین با توجه به آنچه ذکر شد، با استناد به بند ۵ از ماده دوم فصل دوم اساسنامه حزب کمونیست ایران ، تشکیل فراکسیون فعالیت بنام کومه‌له و آغاز فعالیت آنرا اعلام میداریم، و از این پس بعنوان یک فراکسیون در تشکیلات برای تحقق اهدافمان با اتکاء به حقوق اساسنامه‌ای به فعالیت خود ادامه خواهیم داد. رعایت حقوق اساسنامه‌ای و احترام به

دمکراسی و حقوق انسانی در درون تشکیلات از هر دو جانب میتواند پایه همزیستی تشکیلاتی همگی ما در حال و آینده باشد.

فراکسیون جریانی فکری و سیاسی متکی بر سوسیالیسم علمی است، که از زاویه منافع کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار ستمکش و محروم به جامعه مینگرد، و تلاش و مبارزه اش را همچنان در جهت ایجاد تغییر بنیادی در وضعیت حاکم بر زندگی آنان و تامین رفاه و صلح و امنیت و آسایش برای جامعه و در قدم اول برچیدن نظام ارتجاعی و منفور جمهوری اسلامی، به کار میگیرد.

ما اعلام میداریم که به آرمان سوسیالیستی و سنتهای انقلابی و ارزشمند کومه‌له وفاداریم و آنرا پشتوانه‌ای برای فعالیت آینده خود قرار میدهیم. ما میخواهیم با اتکا به اندوخته گرانبھائی که از تجربه مبارزاتی کومه‌له در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و در دفاع از کارگران و زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه برای ما بجا مانده است، که گنجینه‌ای بسیار با ارزش از صداقت، صمیمیت، آرمانخواهی کمونیستی و انسان دوستی را در بردارد، همچون نیروئی چپ و سوسیالیستی واقعی همبسته و مستقل در کردستان همدوش با سایر نیروهای ترقیخواه و سوسیالیست در مناطق دیگر در راه پیش روی بسوی آینده و منطبق با تحولات جامعه کردستان و ایران در راه رهایی انسان و بخاطر سعادت انسان به پیکار خود ادامه دهیم.

ما همچنین از همه رفقای که سالیان طولانی از زندگی خود را در راه تحقق آزادی و آرمانهای عدالتخواهانه، انسانی و انقلابی کومه‌له بکار گرفته اما به هر دلیل از فعالیتهای تشکیلاتی کومه‌له به کنار مانده‌اند میخواهیم در این رهگذر برای تقویت خط کومه‌له‌ای امروزین از ما پشتیبانی کنند.

تیرماه ۱۳۸۷ برابر با ژوئیه ۲۰۰۸

امضا کنندگان :

محمد آشی گولان	جمال ابراهیمی	رحمان احمدی	کریم احمدی
جعفر امین زاده	ناصر امین نژاد	یدالله بیگلری	عثمان تارین
عرفان تارین	ناصر ترکه	علی چوپانی (سه‌وله)	رئوف حافظ
مینہ حسامی	گلاویژ حسینی	محمد حمامیان	شهلا حیدری
شهین حیدری	گلاویژ حیدری	فریدون دارائی	خالد رحمتی
مهدی رستمی	فرهاد رسولی	کریم رسولی	شمس‌الله سیدی (دکتر شمس‌الله شیروانه)
خالد شفیعی	خلیل عمری	حشمت فدائی	شیلان فتحی
رضا فیض‌الله بیگی	حلیم قاسمی	حامد کریمی	فرید کلامی

عثمان محمدی	ابراهيم محمدی (برایم مینه	مجید مارابی	حبیب‌الله گویلی
	شهم)		
امید مریوان	صبح مرادی (که لاتہ)	انور مرادی	اسماعیل مرادی
فاروق نقشی	جمال نادری	فرزاد میرکی	عباس مسعودی
			ساعد وطن‌دوست

آدرس‌های الکترونیکی ما عبارتند از :

ffb_k@yahoo.com

ff,bk@hotmail.com